شعر خراسان، پرچم هویت ملی ایران

یادداشت

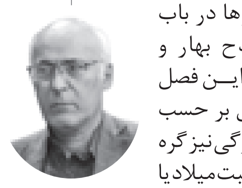

محسن مدیرشانه‌چی
پژوهشگر و نویسنده

بهار، فصل جوانی و طراوت طبیعت و بالاترین تجلی شکوفایی و زیبایی خلقت است. گرچه همه فصول، جلوه‌های شگفت خود را دارند، و هرچند شاعرانی چون اخوان، خزان را پادشاه فصل‌ها خوانده‌اند، بهار را معمولا فصل شاعران می‌دانیم. شاید بیشترین شعرها در باب طبیعت را در مدح بهار و جلوه‌گری‌های این فصل سروده‌اند. این فصل بر حسب اتفاق با نام شاعران بزرگی نیز گره خورده است و به مناسبت میلاد یا مرگشان -یا به بهانه دیگری- یادآور نامشان شده و روزهایش به نام آنان موسوم گشته است. خیام، عطار، فردوسی و سعدی در زمره این نام‌های جاودانه‌اند که روزی از بهار به زیور نام هر یک از آنان زینت یافته است.

شعر فارسی را بسیاری از صاحب نظران عرصه اصلی ادب فارسی و فراتر از آن والاترین تجلی هنر و فرهنگ و معارف ایران خوانده‌اند. شعر در تاریخ کهن ایران از دیرباز تاکنون صرفا وجهی از زبان و ادب فارسی نبوده، بلکه در واقع نقطه کانونی هویت و ملیت ایرانیان را شکل می‌داده است. بر این مبنا فردوسی را از یک‌سو در مقام بزرگ‌ترین حماسه‌سرای جهان، یکی از قلل بلند بالای شعر فارسی می‌توان خواند و از دیگرسو او و کار سترگش شاهنامه را به مثابه محور هویت بخش و ملیت ساز ایران به شمار آورد.

گرچه سراسر ایران و قلمرو زبان فارسی، خاستگاه و پرورشگاه شاعران و ادیبان و عارفان بزرگی است که همه اجزای شکل دهنده زبان و ادبیات و نیز هویت و فرهنگ و مدنیت ایران اند، بی گمان خراسان در مقام زادگاه زبان و ادب فارسی دری به علل گوناگون جغرافیایی و تاریخی که شرح آن در این مختصر نمی گنجد، دراین میانه نقشی ممتاز و متمایز داشته است. این امر از بیش از ۱۰۰۰ سال پیش در هنگامه پیدایش و گسترش شعر فارسی کنونی تا امروز با همه افت و خیزها و فراز وفرودها تداوم یافته است. از آدم الشعرای شعر فارسی، رودکی، تا خاتم الشعرای شعر کلاسیک فارسی در عصر بازگشت یعنی قصیده سرای نامدار ملک الشعرا بهار و بسیاری دیگر.

در آغاز سده حاضر، مشهد کانون پویای فرهنگ و ادب ایران بود. با حضور شاعران و ادیبانی از خراسان و پایتخت همچون ملک الشعرا بهار، ایرج و عارف، مشهد مرکز تحولات ادبی ایران شده بود. انجمن های ادبی متعددی در سال ها و دهه های بعدی در این شهر شکل گرفت و میراث کهن خراسان را به مرکزیت مشهد احیا کرد و رونق بخشید. انجمن ادبی فرخ و انجمن ادبی قهرمان در زمره این محافل پویا و پربار ادبی بودند. گرچه در سال های اخیر نیز شاعرانی -از جوانان تا میان سالان و کهن سالان- چراغ شعر و ادب خراسان را فروزان نگه داشته اند و حتی برخی محافل شعرخوانی همچون کافه داش آقا را احیا کرده اند، دیگر از گذشته پرفروغ دور و نزدیک شعر خراسان چندان اثری نیست. با دریغ، با درگذشت بزرگانی چون عماد و امید و کمال و سهی و قدسی و قهرمان و بقا و خاوری، شعر خراسان جایگاه پیشین خود را تا حدود بسیاری از دست داد و با افسوس، شماری از بزرگان شعر امروز خراسان همچون دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (سرشک)، دکتر اسماعیل خویی و نعمت میرزازاده (آزرم) دیگر در مشهد نیستند یا به ناچار تن به جلای وطن داده اند.

اکنون در روزگاری که هویت ملی ایران و نیز قلمرو زبان فارسی از درون و برون در مسیر تندبادهای ویرانگر قرار گرفته، پناه جستن به فرهنگ و ادب خصوصا ساحت شعر را که خراسان همواره بدان ممتاز بوده است، حافظ و نگهبان این هویت و حیثیت می توان انگاشت. در این میان نقش جراید را که در دوران معاصر چه در گستره ملی و چه در سطح شهر و استان از کانون های رونق و پویایی شعر فارسی بوده اند، نباید نادیده گرفت. شهرآرا و دیگر نشریات مشهد و خراسان به سهم خود در این عرصه می توانند نقشی درخور ایفا کنند و شعر خراسان را به مثابه پرچم هویت ملی برافراشته و سربلند نگه دارند.

تهمینه از چشم تاجیک

جامه‌سرا

ایرج طوفان| لایق شیرعلی (تاجیکستان، ۱۹۴۱-۲۰۰۰م.) دانش آموخته دانشکده تاریخ و فیلولوژی (زبان‌شناسی تاریخی) ودر شعر، از شاگردان میرزا تورسون‌زاده، باقی رحیم‌زاده ودیگران است. اوقالب‌سنت‌گراست امابازبان مردم عصر خودمی‌سراید. مضامین اشعار او غنایی، اجتماعی و مسائل انسانی است. شیرعلی سردبیر مجله «صدای شرق»، کارمند ادبی روزنامه «کامسامال»، مشاور انجمن نویسندگان تاجیکستان و عضو انجمن نویسندگان اتحادیه شوروی بوده‌است. مجموعه‌های اشعار «خاک وطن»، «شعر تاریخ»، «مادرنامه»، «من نمی میرم»، «روزها می گذرند»، «چارسوی زندگی»، «شعر روز»، «کارستان نارک»، «سپاس نامه»، «الهام از شاهنامه»، «عشق نامه» و «دسته گل ترانه و غزلیات» آثار لایق در تاجیکستان هستند. انتشارات «الهدا»ی تهران نیز در سال ۱۳۷۲ مجموعه‌ای با نام «گلچینی از اشعار استاد لایق شیرعلی» از او منتشر کرده‌است. «نوحه تهمینه بر سهراب» از مجموعه «الهام از شاهنامه» انتخاب شده‌است:

تهمینه‌ام تهمینه‌ام
از درد و غم دو نیمه‌ام
در حسرت سهراب یل
درج غمان شد سینه‌ام
سهراب من مهراب من
خورشید من مهتاب من
در این جهان بی کسی
یکتای من نایاب من
در دشت کین سر گشته شد
در خاک و خون آغشته شد
از مهر رستم زاده شد
وز قهر رستم کشته شد
افتاد از بالای زین
چون اختر از چرخ برین
شیر سفیدم از تنش
دریای خون شد بر زمین
گفتم که می یابد اثر
از رستم عالی نظر
با آن نشانی از پدر
شد بی‌نشان از بحر و بر
گلچین دورانم گذشت
گلریز بستانم گذشت
تیغی که رستم زد بر او
از جوشن جانم گذشت
اکنون چه دارد بود من
فردای بی مقصود من
دست که گیرد روز مرگ
از پایه تابوت من
فریاد از بخت بدا
از رستما از قسمتا
دنیا تهی شد چون دلم
واحسرتا واویلتا
۱۹۷۶

شاهنامه همچنان زنده و تپنده است

گفت‌وگو با میرجلال‌الدین کزازی درباره آنچه شاهنامه برای انسان ایرانی امروز دارد

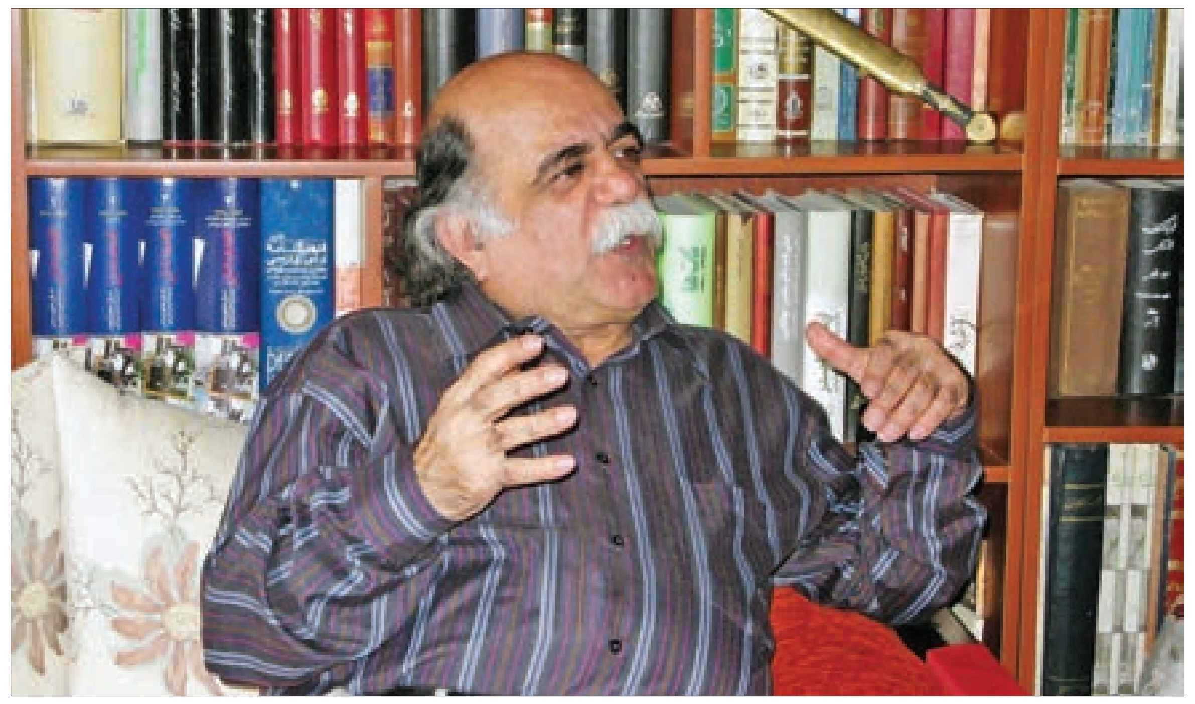

گفت‌وگو / ادامه از صفحه یک

مجیدخاکپور| **جامعه امروز ما چه نیازی به شاهنامه دارد؟ آیا فقط انتقال و استفاده از زبان است یا محتوای آن هم که تأکید بر خرد و راستی و درستی است نیز می‌تواند راه‌گشا باشد و مورد توجه و استفاده قرار بگیرد؟**

بی‌گمان ما ایرانیان امروز هم برای شناخت درست و به‌آیینِ زبان فارسی به شاهنامه نیاز داریم، هم نیازیِ نهادینه‌تر و درونی‌تر و بنیادین‌تر. این نیاز دوم نیاز به ایرانی ماندن است. ما در روزگاری به سر می‌بریم که روزگار گسستن‌ها و از خودبیگانگی‌هاست. روزگاری که برترین نشانه آن همان است که آن را جهانی شدن می‌نامیم. بدان‌سان که آن مارشال [مک‌لوهان] کانادایی چندی پیش هوشمندانه گفته است، جهان فراخ به یاری فناوری رسانه‌ای به دهکده‌ای خرد فروکاسته است. اگر ما ایرانیان بخواهیم در این دهکده همچنان ایرانی بمانیم و فرهنگ و منش و پیشینه نیاکانی خویش را پاس بداریم، آن را به همان‌سان که از نیاکان خود ستانده‌ایم، به فرزندان و پسینیانمان بسپاریم، به شاهنامه نیازمندیم. چرا سخن از شاهنامه می‌گوییم در سرزمینی که برترین شاهکارهای ادبی جهان در آن پدید آمده است، نشانه پرسش است؛ زیرا ما جهان ایرانی را در همگیِ آن روشن و رسا، بنیادین و گوهرین تنها در شاهنامه می‌توانیم یافت. تنها شاهکار ادبی، سرچشمه فرهنگی و منشی که بی‌هیچ درنگ و دودلی می‌توانیم آن را نامه منش و فرهنگ ایران بدانیم و بنامیم شاهنامه است. در این باره به فراخی سخن می‌توان گفت، به همین اندک بسنده می‌کنم.

● **حفظ، نگهداری و انتقال شاهنامه به نسل‌های بعد مسئله بسیار مهمی است، اما خواندن شاهنامه چه دردی از انسان ایرانی که در این زمانه و جامعه زندگی می‌کند دوا می‌کند؟ چه چیز بر اندیشه و سبک زندگی و نگاهش به جهان و شیوه زیستنش می‌افزاید؟**

ما ایرانیان از آن روی که پیشینه‌ای دیگرسان در تاریخ خویش داریم، این پیشینه دیگرسان فرهنگ و منشی دیگرسان را به همراه آورده است، برای پرسمان‌های کنونی جهان به ناچار می‌باید چاره‌هایی بجوییم که با منش و فرهنگ ما سازگار است وگرنه آن چاره به راستی چاره نیست، گرهی از کارهای فروبسته‌مان نمی‌توان گشود؛ زیراکه فرهنگ و منش را نمی‌توانیم با دانش یکسان بشماریم از دید سرشت و ساختار. خواست من از دانش آن است که فرنگیان آن را Science می‌نامند. این گونه دانش‌ها مرزی نمی‌توانند داشت. یافته هر کدام از این دانش‌ها دامنه‌ای گسترده خواهد داشت. همگان می‌توانند از آن یافته بهره ببرند؛ نمونه‌ای از آن دانش فناورانه ابزارساز. ابزاری، دستگاهی که در کشوری ساخته می‌شود، در کشورهای دیگر هم به کار گرفته می‌تواند. اما آنچه ویژه ماست چونان ایرانی زمینه‌های فرهنگی و منشی و حتی اندیشه‌ای ماست. ما برای آنکه بتوانیم راه‌کارهای سودمند و کارا و امروزینه پرسمان‌ها و تنگناها و دشواری‌های فرهنگی و روانی و منشی و هازمانی (اجتماعی) خویش را بیابیم، به ناچار می‌بایست از شاهنامه بهره ببریم، زیرا آن‌سان که گفته شد، شاهنامه نامه منش و فرهنگ ایرانی است وگرنه تلاشمان همواره بیهوده خواهد ماند. توان و زمانمان بیهوده به هرز و هدر خواهد رفت. ما نمی‌توانیم دشواری‌ها و تنگ‌ها و بن‌بست‌هایی را که با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم که سرشتی درونی دارند از میان برداریم، بر آن‌ها خواهیم افزود. آن گره را که می‌خواهیم گشود، کورتر خواهیم کرد، اگر آن راهِ کار بر آمده از منش و فرهنگ ما نباشد.

● **در کنگره بین‌المللی فردوسی گفته بودید که کشور ما بادها تازش مانند حمله مغولان روبه‌رو بوده اما آن‌ها را از سر گذرانده و از مغولان ددمنش مردمانی ساخته است آشنا و علاقه‌مند به فرهنگ، اما حالا در دل آن تازش‌ها زندگی می‌کنیم. این تازشی که داریم در آن زندگی می‌کنیم چیست؟**

تازش کنونی با تازش‌های پیشین سنجیدنی نیست، زیرا تازش فرهنگی، منشی، روانی در روزگار ما یکسره از گونه‌ای است دیگر. این تازش، تازش رسانه‌ای است. ما با تازشگری رویاروی خود که بتوانیم به آسانی یا به دشواری با او به نبرد بپردازیم روبه‌رو نیستیم. ما با تیزآبه‌ها و موج‌هایی روبه‌روییم که از هر سوی فرا می‌رسند. از هر بند و بارو می‌گذرند. تا کنج خانه‌های ما را هم می‌برند. از همین روست که ما در این زمان بیش از هر زمان دیگر به شاهنامه نیاز داریم. ویژگی سرشتین روزگار ما آن‌سان که پیشتر هم نمونشی (اشارتی) از آن آورده شد، ناپایداری است، لغزانی و لرزانی است. از در و دیوار آگاهی می‌بارد. آگاهی‌هایی که هم‌زمان می‌توانند ناساز با یکدیگر باشند. برترین نشانه روزگار ما، که ما همواره با آن روبه‌روییم، پدیده‌ای است که هیچ پیشینه‌ای در روزگاران گذشته ندارد. پدیده‌ای است که آن را پسند روز یا مد می‌نامیم. در چنین جهانی لرزان، جهانی که آن‌چنان ناپایدار است که می‌توانم آن را جهانی آب‌گونه بنامم. ما در آب به ناچار درروایی همراه با خیزآبه‌ها بدین سوی یا بدان سوی کشیده می‌شویم. تنها زمانی از درروایی و شناوری باز می‌توانیم ماند که پایگاهی استوار بیابیم. پایگاهی که بتوانیم بر آن بایستیم. در برابر خیزآب‌ها پای برجای. در دهکده جهانی به ناچار گوی‌هایی گونه‌گون است. در دهکده مردمان به آسانی با یکدیگر در پیوندند، حتی هر روز می‌توانند یکدیگر را ببینند یا از یکدیگر اثر بگیرند. یا ما می‌باید در این دهکده به فرهنگ و منش چیره بر آن که منش و فرهنگ رسانه‌ای است -که دهکده را پدید آورده است- تن در بدهیم، چیستی تاریخی، فرهنگی، منشی خویش را به یک‌بارگی فروبنهیم، یا اگر می‌خواهیم در این دهکده در کویی از آن که ایران نامیده می‌شود ایرانی بمانیم، آگاهانه از سر شناخت و برهان و دانش بدان بنازیم که ایرانی هستیم. چاره‌ای جز آن نداریم که خود را بشناسیم. من بی‌گمانم که ایرانی اگر خود را به درستی بشناسد سر برخواهد افراخت نازان هر جای که نیاز باشد خواهد گفت که من ایرانی‌ام. یکی از ویژگی‌های بنیادین ایرانیان که پایه منش ایرانی را می‌ریزد، آن است که ایرانیان مردمانی‌اند نرم‌خوی و دیگردوست. همواره آغوش به سوی جهان گشاده می‌دارند. این گشادگی آغوش اگر به گونه‌ای باشد که چیستی ایرانی را زیان نرساند، آن را سودمند خواهد بود. نیاکان ما پذیرای فرهنگ‌ها و اندیشه‌های دیگر بوده‌اند، اما بهره‌ای که از این فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها می‌برده‌اند بهره‌ای ایرانی بوده است، آن‌ها را از آن خود می‌کرده است. گشادگی آغوش بر پایه مهربانی و دیگردوستی انجام می‌گرفته است، نه از ناتوانی و کم‌اندیشی و بی‌فرهنگی. رنگ فرهنگ دیگر را به خود نمی‌پذیرند. از همین روست که ما ایرانیان همواره توانسته‌ایم به نازش بگوییم که از تازش به سود خویش بهره برده‌ایم. تازش‌ها نه تنها ما را از پای نینداخته‌اند، چیستی ایرانی‌مان را آسیب نرسانده‌اند، به وارگونی آن را مایه‌ای مهین‌تر، پایه‌ای استوارتر بخشیده‌اند. در این روزگار هم اگر بخواهیم از تازش، سازش بیافرینیم، باید که خودشناس باشیم. اگر خود را بشناسیم بهره درست و به‌آیین را از جهان خواهیم برد. بی‌هیچ پروا، بی‌هیچ بیم، مانند نیاکانمان آغوش به جهان خواهیم گشود، از آن بهره خواهیم برد، نه زیان، نه آسیب، نه گزند. هم از این روست که ما در این روزگار، روزگاری که با نیرومندترین، گسترده‌ترین، نِهان‌کاوترین تازش منشی و فرهنگی روبه‌رو هستیم، باید دست در دامان شاهنامه بزنیم تا همچنان بتوانیم نازان، سرافرازان بگوییم که ایرانی هستیم.

● **امروز در جامعه ما آیا آن‌طوری که باید به شاهنامه ارج می‌گذارند؟**

در میان مردم، آری، شاهنامه همچنان زنده و تپنده است. در هر جای ایران که ایرانیان در آن ایرانی‌تر مانده‌اند، شاهنامه کارکردی بیشتر دارد. به ویژه در میان تیره‌های ایرانی؛ لُران، کُردان، بلوچان و تیره‌های دیگر. در شهرهای بزرگ پیداست چون منش فرهنگی ایرانی کاستی گرفته است، کاربرد شاهنامه نیز کمتر شده است. اما آنچه مایه نوید است، این است که خیزشی فرهنگی بر پایه شاهنامه سر برمی‌آورد. نشانه‌های آن اندک‌اندک در شهرهای گوناگون ایران پدیدار می‌شود. این خیزش فرهنگی از دید من خیزشی است ناب، یکسره مردمی، برجوشیده از نهاد فراگیر ایرانی، از آن ناخودآگاهی تباری است. این خیزش در خواهد گسترد، دامنه‌ای فراخ خواهد یافت، به همان‌سان پایه‌هایی استوار، هم در چونی -یعنی کیفیت- هم در چندی. در چرایی آن می‌توانم به ویژه بر ۲ نکته انگشت برنهم، یکی این است که خیزش از کودکان آغاز گرفته است. در شهرهای گوناگون ایران کودکانی خرد را می‌بینیم که راهی به جهان شاهنامه جسته‌اند، کودکانی که هنوز به دبستان هم نمی‌روند بیت‌های شاهنامه را با شکوه و به‌آیین بر زبان می‌رانند. داستان‌های شاهنامه را به نمایش در می‌آورند. نکته دیگر این است که زنان در این خیزش بهره‌ای بنیادین دارند. پرورندگان و آموزگاران نونهالان ایرانی زنان‌اند در رده‌های فُرودین آموزش و پرورش. آنان که شاهنامه را به میان کودکان می‌برند، زیرا به استواری دریافته‌اند ما در این روزگار بدان نیاز داریم که کودکانمان را با جهان شاهنامه آشنایی و پیوند بدهیم. هنگامی که زنان به کاری دست می‌یازند، بیش از مردان در آن کار پایدار و استوارند، به ویژه اگر به کاری که می‌کنند باوری نیرومند داشته باشند. از همین روست که من بر آنم که این خیزش دم‌به‌دم پایورتر خواهد شد و بیش و بیش گسترش خواهد یافت. این نوید و امید را نیز در برابر ما خواهد نهاد که ایرانیان آینده، ایرانیانی خواهند بود که سر بر خواهند افراخت و خواهند ناخت (نازید) که ایرانی هستند.

محمدجعفر یاحقی، استاد زبان و ادبیات فارسی: **هیچ سند تاریخی‌ای درباره زادروز فردوسی وجود ندارد و نام بردن از نخستین روز بهمن‌ماه صرفا بر اساس محاسبات سرانگشتی، غیرعلمی و غیررسمی صورت گرفته است و بر اساس چنین محاسباتی سومین روز دی‌ماه نیز به عنوان روز تولد فردوسی مورد اشاره قرار گرفته است، درحالی‌که این تاریخ نیز هیچ سندیتی ندارد.**

میلاد
ویژه‌نامه جوانان روزنامه شهرآرا

رویداد

اعطای نشان فردوسی به فعالان عرصه شاهنامه

آیین پایانی همایش بین‌المللی «شاهنامه در گذرگاه جاده ابریشم» برگزار شد

عکس: حسین شریعت | شهرآرا

آیین پایانی همایش بین‌المللی «شاهنامه در گذرگاه جاده ابریشم» با اعطای نشان فردوسی به اهالی فرهنگ همراه شد. بعدازظهر روز گذشته، سالن خواجه نصیرالدین توسی در دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد میزبان برنامه یادشده بود. در این مراسم، جعفر مروارید، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، با تأکید بر اینکه ما نیازمند تکریم زبان فارسی و فردوسی هستیم، بایستگی این ارجمندشمردن را نیاز ما به فرهنگ و حماسه دانست. او گفت: شاهنامه گنجینه‌ای است که این هردو نیازمندی ما را برآورده می‌کند زیرا چکیده تجربه‌های اخلاقی و عملی ایرانیان است و هویت ایرانی اسلامی سرزمین ما را در خود دارد. مروارید ابراز امیدواری کرد کرسی شاهنامه‌پژوهی یک کرسی بین‌المللی در سطح عالی شود.

محمدجعفر یاحقی، استاد زبان و ادبیات فارسی و رئیس این همایش، نیز گفت: این فردوسی نیست که به بلندنامی نیاز دارد بلکه ما هستیم که تلاش می‌کنیم نام خودمان را با نام فردوسی بلند کنیم. او ادامه داد: در این همایش تلاش کردیم به وجه‌های مغفول‌مانده شاهنامه توجه کنیم. معتقدیم شاهنامه مصداق صلح و دوستی و جهان‌بینی است و توجه به آن می‌تواند پیوستگی میان ملت‌ها را رقم بزند. ما در این همایش جاده ابریشم را بستر شاهنامه بیان کردیم و اعلام کردیم که شاهنامه متعلق به همه کشورهای این جغرافیای بزرگ است. می‌خواستیم بگوییم تعالیم شاهنامه به همه بشریت تعلق دارد.

حسن جعفری، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار خراسان رضوی، دیگر سخنران برنامه بود که اظهار کرد: شاهنامه بزرگ‌ترین هدیه‌ای است که در اختیار ایران و ایرانیان و همه بشریت قرار دارد. شاهنامه پدر زبان فارسی است. با این سند افتخار، می‌توان به تاریخ و پشتوانه ایران عشق ورزید. شاهنامه می‌تواند در حوزه دفاع از وطن و ارزش‌های ملی-مذهبی سرمشق باشد.

همچنین حسین انتظامی، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با بیان اینکه پاسداشت زبان و خط فارسی هویت‌بخش و امنیت‌آفرین است افزود: از همین رو، وظیفه همه دستگاه‌های فرهنگی و اجتماعی و آموزشی در نهادینه کردن آثار مفاخر ایران‌زمین دوچندان است. اگر در این راه و در حفظ و انتشار میراث ماندگاری همچون شاهنامه فردوسی بی‌تفاوت باشیم، در تندباد حوادث جنبه‌های هویتی و امنیتی ما دچار خدشه خواهد شد. انتظامی خاطرنشان کرد: نگاه به جنبه حماسی شاهنامه فردوسی روحیه غیرت و سلحشوری را در ایرانیان زنده می‌کند. ما به تقویت این روحیه در خلال تهدیدهایی که این روزها می‌شویم نیازمندیم. او یادآور شد که توجه و اتکا به متون کهنی چون شاهنامه تولیدات هنری را فاخر می‌کند.

در این همایش، نشان فردوسی نیز به چند شخصیت فرهنگی اعطا شد. دکتر فتحا... مجتبایی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دکتر سجاد آیدنلو، شاهنامه‌پژوه جوان و برجسته کشور، سرگئی فئوفانوف، پیکره‌ساز و نقاش روس، و سید مصطفی سعیدی، استاد پیش‌کسوت نقالی، ۴شخصیتی بودند که به سبب خدماتشان در زمینه ترویج فرهنگ شاهنامه و شناساندن آن، این نشان را دریافت کردند.

آگهی مزایده
موضوع: مزایده اکران موقت فضاهای تبلیغاتی
سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد در نظر دارد نسبت به واگذاری اکران موقت فضاهای تبلیغاتی سطح شهر در پنج بسته تبلیغاتی مطابق شرایط مندرج در اسناد مزایده برای مدت دو سال اقدام نماید. لذا از کلیه کانون ها و شرکتهای تبلیغاتی واجد شرایط و مورد تایید کمیته توانسنجی دعوت میگردد جهت دریافت اسناد مزایده به نشانی ذیل مراجعه نمایند.
مبلغ تضمین شرکت در مزایده برای هر بسته: مبلغ هشتصد میلیون ریال
نشانی جهت دریافت و تحویل اسناد: مشهد بلوار وکیل آباد حد فاصل وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ طبقه چهارم اداره امور قراردادها و پیمانها - تلفن تماس: ۳۱۲۹۸۰۶۵ - ۳۱۲۹۸۰۸۷
آخرین مهلت مراجعه به منظور تحویل اسناد مزایده به سازمان: پایان وقت اداری روز شنبه ۱۳۹۸/۰۳/۰۴
(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)
(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد)
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید
روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

تندیس‌های جدید برای داستان‌های شاهنامه

گفت‌وگو با ۲ مجسمه‌ساز مشهدی که آثارشان هم‌زمان با روز بزرگداشت فردوسی رونمایی می‌شود

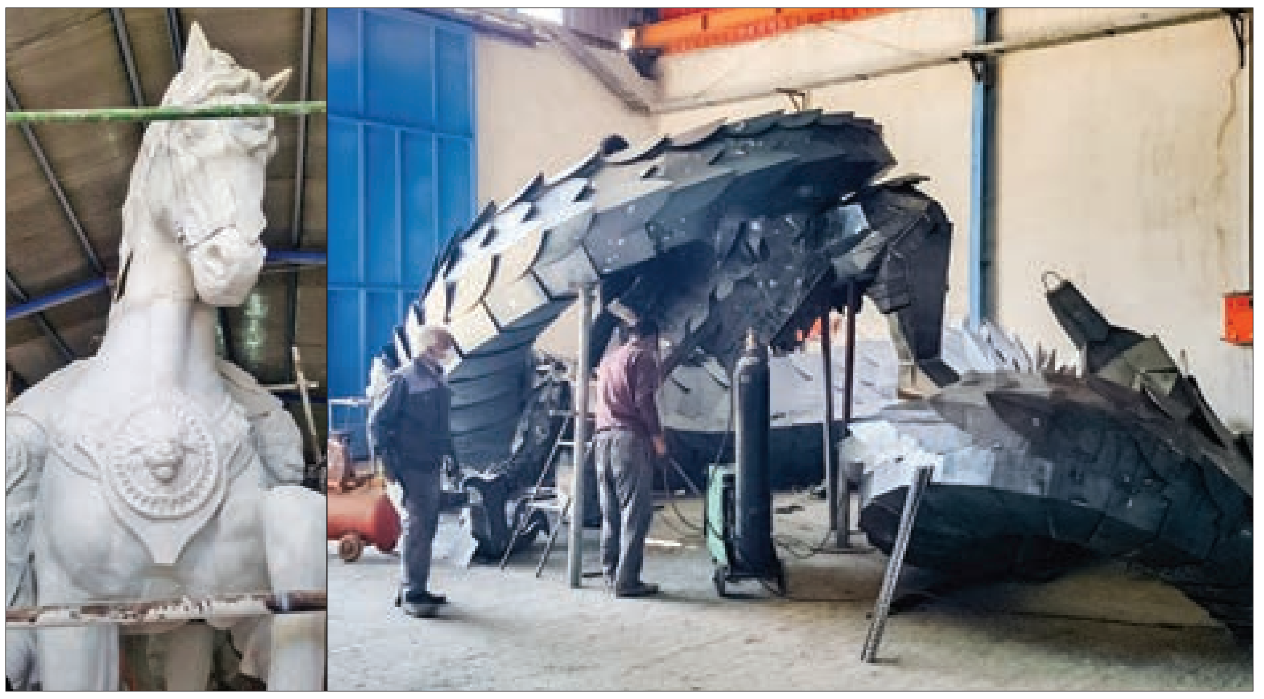

مراحل ساخت دو اثر «رستم و رخش» و «رستم و اژدها»

شکیبا افخمی‌راد| جشنواره خانه بهار ۱۳۹۸ باتوجه‌به رویکرد حوزه معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد برای تولید آثار دائمی و ماندگار، متفاوت‌تر از سال‌های پیش برپا شد و در این رویداد سعی شد از ظرفیت خانه بهار برای اضافه شدن عناصر هنری شاخص و فاخر به سطح شهر استفاده شود. در این بین، یکی از موضوعات درنظر گرفته‌شده برای ساخت آثار در بخش‌های مختلف، موضوع شاهنامه و فردوسی بود؛ موضوعی که در المان‌های موقت، دیوارنگاری‌ها و تئاترها در نوروز مشهود بود و با صلاحدید کادر اجرایی جشنواره، سوژه تولید آثار دائمی نیز قرار گرفت، از همین‌رو امروز هم‌زمان با روز بزرگداشت فردوسی قرار است از دو مجسمه «رستم و رخش»، ساخت فردین اسفندیاری، و «رستم و اژدها»، ساخت مسعود صدرایی‌نیا، رونمایی شود؛ مجسمه‌هایی که آثار برگزیده بخش یادمان‌های موقت بودند اما با متریال دائمی ساخته شدند تا به‌صورت همیشگی زینت‌بخش شهر توس و زادگاه فردوسی باشند.

● **کارکرد مجسمه‌ها در ترغیب مردم به مطالعه**

به گفته صدرا یوسفی، دبیر جشنواره خانه بهار، در سال‌های قبل، آثاری در ابعاد کوچک و برای نمایش در نگارخانه‌ها یا نقاشی‌های مینیاتوری‌ای با الهام از داستان‌های شاهنامه، ساخته یا کشیده شده است اما در ابعاد شهری به این موضوع پرداخته نشده است. دبیر جشنواره خانه بهار با بیان این صحبت درباره دو اثر ساخته‌شده با موضوع «رستم و رخش» و همچنین «رستم و اژدها» با الهام از خان سوم شاهنامه در ابعاد شهری توضیح می‌دهد: تمام مراحل ساخت دو اثری که امروز قرار است رونمایی شوند، زیرنظر استادان برجسته ادبیات چون دکتر یاحقی، دکتر قیامتی و همچنین استادان شاخص مجسمه‌سازی انجام شده است. یوسفی ساخت مجسمه با الهام‌گیری از داستان‌های شاهنامه را باعث ملموس‌تر شدن موضوعات این کتاب برای مردم می‌داند: «روبه‌رو شدن با آثاری از شاهنامه در میدان‌های شهر، مردم را به مطالعه بیشتر و خواندن داستان‌های شاهنامه ترغیب می‌کند.» او همچنین از ساخت مجسمه‌های دیگری با موضوع شاهنامه و فردوسی خبر می‌دهد و می‌گوید: در سومین دوسالانه مجسمه‌سازی مشهد، ما یکی از بخش‌های اصلی را به ساخت مجسمه‌هایی برای جلوخان آرامگاه فردوسی اختصاص دادیم. یوسفی با بیان آنکه این روزها در مرحله انتخاب از میان طرح‌های ارسالی برای سومین دوسالانه مجسمه‌سازی مشهد هستند، ابراز امیدواری می‌کند آثاری انتخاب شود و به مرحله ساخت برسد که فاخر و مناسب برای جلوخان آرامگاه فردوسی باشد.

در ادامه این گزارش به‌سراغ دو سازنده مجسمه‌های «رستم و رخش» و «رستم و اژدها» می‌رویم تا بیشتر با جزئیات این دو اثر آشنا شویم؛ دو مجسمه‌سازی که در حدود سه ماه، شبانه‌روز کار کردند تا آثار خود را به ۲۵ اردیبهشت و روز بزرگداشت فردوسی برسانند.

● **سازه‌ای برای نبرد رستم و اژدها**

مسعود صدرایی‌نیا، طراح و سازنده مجسمه «رستم و اژدها»ست. او ایده ساخت این اثر را پنج سال پیش به شهرداری پیشنهاد داده بود اما باتوجه‌به تغییرات مدیریتی آن زمان، اجرای این کار منتفی شد. با انتشار فراخوان امسالِ جشنواره خانه بهار و درنظر گرفتن موضوع شاهنامه برای ساخت المان‌های دائم، او بار دیگر پیشنهاد اجرای طرح خود را مطرح کرد؛ طرحی که در نهایت برگزیده شد و حال قرار است در میدان هفت‌خوان بولوار شاهنامه نصب شود. صدرایی‌نیا که تصویرگر است و تا به امروز المان‌های شهری چون «بقیه‌ا...» را ساخته است، برای اولین‌بار سراغ داستانی از شاهنامه رفته است. او درباره انتخاب موضوع نبرد رستم و اژدها از خان سوم برای کار خود توضیح می‌دهد: صحنه نبرد رستم و اژدها یکی از صحنه‌های جذاب شاهنامه است که در طول سال‌ها، هنرمندان برای ساختن و به تصویر کشیدن آثار مختلف، آن را انتخاب کرده‌اند اما من سعی کردم با یک برداشت آزاد به شیوه جدید و نوین، این اثر را بسازم. به گفته صدرایی‌نیا، در این اثر بالغ‌بر ۴هزار ورقه آهن کنار هم قرار گرفته است تا مجسمه را شکل دهد، از همین‌رو و باتوجه‌به فیگوراتیو بودن اثر، ساخت آن روند پیچیده و متفاوتی را طی کرده است: «این کار روی قاعده یک پنج‌ضلعی ساخته شده و ارتفاعش پنج متر و عرض آن نیز در جهت‌های مختلف، متفاوت است.» این هنرمند ساخت این اثر را مدیون مهدی توسلی، یکی از پیشگامان ساخت المان در مشهد، می‌داند. به گفته صدرایی‌نیا، توسلی در مراحل مختلف اجرا به او مشاوره می‌داده و ساخت این طرح با آهن را نیز برعهده گرفته است. او با بیان آنکه نوع ارائه پیچیده در طرح، فرم و محتوا این کار را به اثری شاخص تبدیل می‌کند، درباره جانمایی اثر در میدان هفت‌خان نیز بیان می‌کند: «به نظرم انتخاب این مکان، تصمیم درستی بود و آن‌طور که ما شاهد بودیم، باعث خوشحالی مردم این محله شد. قطعا توجهی که به این مناطق می‌شود، باعث رشد و پیشرفت آنجا خواهد شد.» صدرایی‌نیا با ابراز امیدواری از اقبال مردم به اثر می‌گوید: در ارائه کارهای هنری، همه اقشار را نمی‌توان راضی کرد، به‌هرحال منتقدانی نیز خواهند بود. اما باید این موضوع را نیز در نظر داشت که تنها ۵۰ روز برای این پروژه فرصت داشتیم.

● **جایگزینی برای بولوار شاهنامه**

فردین اسفندیاری، سازنده مجسمه رخش و رستم، است. او که پسر افشین اسفندیاری، مجسمه‌ساز اثر میدان جانباز است، پا جای پدر گذاشته و همان‌طور که اثر پدرش جایگزین مجسمه میدان جانباز شد، قرار است طرح او نیز جایگزین مجسمه فردوسی در ابتدای بولوار شاهنامه شود. او در طرح خود دو کاراکتر رستم و رخش را نشان می‌دهد. به گفته اسفندیاری، تمام جزئیات این اثر، کامل و جزءبه‌جزء مطابق چیزی است که در شاهنامه آمده است: «من طرح کلی را با مشخص کردن فرم، ایستایی و فیگور ارائه کردم و بعد درباره جزئیاتی نظیر فرم رخش، چابکی و عضلانی بودن رخش و دیگر ویژگی‌های شاهنامه با استادانی چون دکتر یاحقی و دکتر راشد محصل مشورت کردم تا عین‌به‌عین خصوصیات بیان‌شده در شاهنامه، در اثر اجرا شود.» او درباره جزئیات فنی اثر رستم و رخش توضیح می‌دهد: این طرح دوبرابر ابعاد طبیعی و در ابعاد ۵/۵متر ساخته شده است و جنس آن فایبرگلاس است که از نظر استحکام، آن را در برابر باد و باران و خورشید بسیار مقاوم می‌کند. اسفندیاری با اشاره به اینکه در این اثر رستم بر روی رخش سوار است، ادامه می‌دهد: یکی از مراحل سخت مجسمه‌سازی، کار کردن یک کاراکتر روی اسب است، آن‌هم وقتی اسبی مثل رخش باشد که باید قدرت و عضله را یک مقدار اغراق‌آمیزتر کار کرد. همه این‌ها باعث می‌شود کار از لحاظ آناتومی و فیگور، اثری خاص و منحصربه‌فرد شود. به نظر اسفندیاری، برای اینکه یک اثر بر روی مخاطب به‌خوبی تاثیر بگذارد، باید علاوه‌بر خوب اجرا شدن، در محل خوبی نیز نصب شود، از همین‌رو این هنرمند درباره جانمایی اثر خود می‌گوید: باتوجه‌به موضوع و ابعاد کار به نظرم بهترین جایی که این مکان می‌توانست نصب شود، ابتدای بولوار شاهنامه بود. تنها نارضایتی اسفندیاری از روند ساخت اثرش، زمان کمی است که برای ساخت آن در اختیارش قرار گرفته است. او به زمان سه‌ماهه خود برای تحویل این اثر اشاره می‌کند و می‌گوید: برخی افراد، مراحل ارائه فرم برای اثر هنری را در تایید طرح و نصب آن می‌بینند و نمی‌دانند که در این پروسه چه کارهایی باید انجام شود تا یک اثر ساخته شود، از همین‌رو باتوجه‌به حمایت‌های خوب شهرداری مشهد در زمینه‌های دیگر، انتظار می‌رود در حوزه زمان‌بندی برای اجرای کارها نیز از هنرمند حمایت بیشتری بشود.

دو اثر «رستم و رخش» و «رستم و اژدها» امروز ساعت ۱۵ طی مراسمی در مکان‌های یادشده رونمایی می‌شود.

زندگی با موسیقی

گواهی‌نامه درجه یک آواز برای همایون

گواهی‌نامه درجه یک هنری (معادل مدرک تحصیلی دکتری) از سوی شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور در رشته «آواز» به همایون شجریان داده شده است. این گواهی‌نامه هنری یکی از مدارکی است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به هنرمندان اعطا می‌کند و جایگزین مدرک علمی یک هنرمند است.

به گزارش مهر، در متن این مدرک که ۲۷ اسفندماه سال ۹۷ به امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رسیده آمده است: «آثار هنری آقای همایون شجریان در جلسه ۲۶۷ به تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۹۳ در شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور بررسی و به استناد متمم آیین‌نامه مصوب جلسه ۵۶۹ مورخ دوازدهم مهرماه ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی گواهی‌نامه درجه یک در رشته موسیقی (آواز) به ایشان اعطا گردید.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رئیس شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور، دبیر شورای ارزشیابی، نماینده معاونت توسعه مدیریت و نظارت راهبری رئیس جمهور، نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نماینده فرهنگستان هنر اعضای حقوقی‌ای هستند که متن گواهی‌نامه درجه یک هنری شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور را امضا می‌کنند.

نماشهر

نیما نجف زاده| شهرآرا

نمایشگاه نقاشی «حماسه‌نگاران کوچک» در نگارخانه اشراق

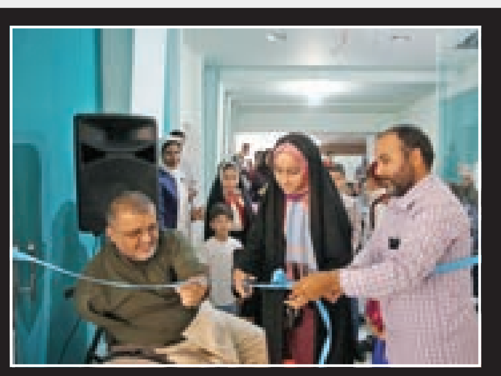

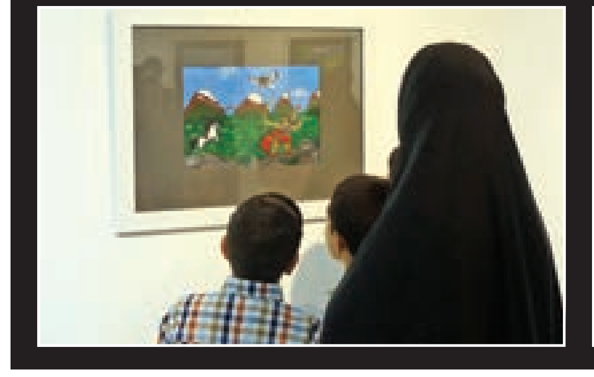

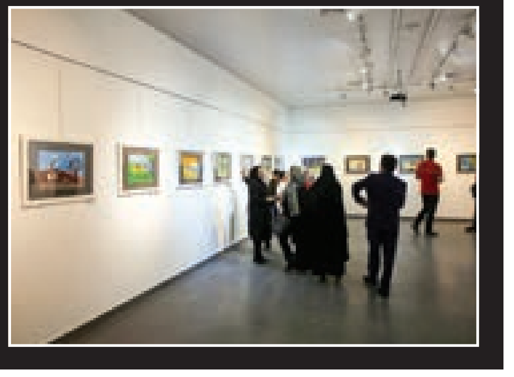

بود و نبودهای شاهنامه در تئاتر مشهد

یادداشت

سیدجواد اشکذری| شاهنامه، اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاهکار حماسی زبان فارسی و بزرگ‌ترین سند هویت ایرانیان است که مشتمل بر حماسه‌ها، رشادت‌ها، دلاوری‌ها و جان‌فشانی‌ها و نیز مباحث اخلاق و تعلیم و تربیت است و به جرئت می‌توان گفت مهم‌ترین کتاب در جهان به شمار می‌آید که داستان‌های دراماتیک بسیاری دارد. بی‌تردید شاهنامه صرفا یک اثر ادبی نیست و می‌تواند جهان محتوایی بسیاری از آثار هنری ما را به خصوص در عرصه هنرهای نمایشی تامین کند و همچنین می‌تواند داستان‌های جذاب اثر فاخر ابوالقاسم فردوسی را روی صحنه پرمخاطب و نیز پرافتخار تئاتر مشهد، جان ببخشد. هرچند تئاتر مشهد کمتر به‌صورت علمی و برنامه‌ریزی‌شده به سمت شاهنامه رفته است، دستش در این عرصه زیاد هم خالی نیست. در همین زمینه می‌توان به‌عنوان یک نمونه ملی که در تئاتر مشهد رخ داده است، از اجرای اپرای عروسکی «رستم و سهراب» نام برد که در مرحله اول در سال ۱۳۸۳ در مجتمع شهید هاشمی‌نژاد روی صحنه رفت و در سال ۹۷ به دعوت و با هزینه شهرداری مشهد و شورای پنجم به مناسبت روز ملی تئاتر، در تئاتر شهر مشهد به اجرا درآمد و باعث ایجاد یک اتفاق مهم تئاتری در کشور و همچنین شهرمان شد. بهروز غریب‌پور با اولین اپرای عروسکی ایرانی‌اش، نشان داد که داستان‌های شاهنامه را نیز می‌توان با شیوه‌ها و سبک‌های مختلف عروسکی تولید کرد تا مردم هرچند محتوای اپرا را درنمی‌یابند، آن‌قدر مجذوب تصویر و قاب‌های اثر بشوند که با این اثر به خوبی ارتباط برقرار کنند. اجراهای این گروه حرفه‌ای در تهران و مشهد نشان داد که شاهنامه زنده است و قصه‌هایش هنوز می‌تواند بر مردم اثر بگذارد. در مشهد هم آثار بسیاری در گونه‌های مختلف نمایشی تولید شده است. یکی از تئاترهای قدیمی که به این موضوع ورود کرد، نمایش «کاوه و ضحاک» به کارگردانی علی‌اکبر حلمی بود که در دهه ۳۰ به روی صحنه تالار شیروخورشید سابق رفت؛ البته جدیدترین آن هم نمایش «ضحاک» به کارگردانی امیرحسین عبادی است که سال گذشته در پردیس تئاتر مشهد روی صحنه رفت. نکته جالب توجه این دو نمایش، این است که اولی با ۱۰۰ بازیگر روی صحنه رفت و دومی به‌صورت تک‌بازیگر و بدون دیالوگ اجرا شد. همچنین رضا صابری بارها از شاهنامه، اقتباس کرده است که از آن میان می‌توان به «سایه ماه» در سال ۷۰ اشاره کرد. وی این نمایش را به صورت مشترک با انوشیروان ارجمند روی صحنه برد و نیز نمایش «بازی‌نامه باستان» که صابری آن را در چند جشنواره بین‌المللی مانند «ایران‌زمین» و «فجر» در دهه ۸۰ روی صحنه برد. همچنین نمایش‌های «نمیرم از این پس که من زنده‌ام» به نویسندگی و کارگردانی مشترک رضا صابری و فرشید تمری، «بیژن و منیژه» اثر محسن عرب‌امیری، «کبودان و اسفندیار» به کارگردانی رضا حسینی، «خان هشتم» به کارگردانی سعید عسکری، «منم ایرج پسر فریدون...» و «من تمامی مردگان بودم» به کارگردانی عبدا...برجسته، با اقتباس از اثر بزرگ حکیم توس روی صحنه رفتند.

در تئاتر مشهد، هم نمایش‌های میدانی و هم محیطی برای مردم، درباره داستان‌های شاهنامه وجود دارد که از آن بین می‌توان به نمایش «سوگنامه رستم و سهراب» که به نویسندگی و کارگردانی فرشید تمری در آرامگاه فردوسی اجرا شد، اشاره کرد یا تئاتر خیابانی «رستم و سهراب» به نویسندگی و کارگردانی علی‌اکبر حلیمی که در ابتدای دهه ۸۰ در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر روی صحنه رفت. به غیر از اجرای این دو نمایش، برنامه‌های تئاتر دیگری هم به مناسبت بزرگداشت حکیم فردوسی در مشهد اجرا خواهد شد که از آن میان می‌توان به اجرای نقالی و پرده‌خوانی و اجرای نمایش‌های خیابانی در پارک ملت و کوهسنگی توسط شهرداری مشهد اشاره کرد. اکنون اساسی‌ترین مشکل تئاتر مشهد، محتوای نامطلوب و نازل نمایشنامه‌ها بوده است و در این چند سال اخیر درام‌نویسان مشهدی کمتر به سمت اقتباس از داستان‌های شاهنامه رفته‌اند.

به طور حتم ادبیات کهن خراسان به دلیل حضور بزرگانی چون فردوسی، خیام، عطار و... می‌تواند یک منبع اقتباسی قوی برای هر هنری به خصوص هنرهای نمایشی باشد اما یکی از مشکلات بنیادی نمایشگران تئاتر، دانش نداشتن درام‌نویسان در عرصه اقتباس است؛ چون یک درام‌نویس هم باید نمایشنامه‌نویس باشد و هم باید دارای دانش اقتباسی غنی باشد و هم باید در حوزه شاهنامه تحقیقات ارزنده‌ای انجام بدهد. در این زمینه‌ها سیاست‌گذاران تئاتر مشهد کمتر همایش و نشست تخصصی برگزار کرده‌اند، حتی در فراخوان اولین جشنواره نمایشنامه‌نویسی اقتباسی که چند روز پیش منتشر شد، جای شاهنامه فردوسی درمیان منابع محتوایی اعلام‌شده، خالی بود. ظاهرا شعارهایی که در روز ملی فردوسی داده می‌شود، هیچ‌گاه از پشت تریبون جدا نخواهد شد و جامه عمل نخواهد پوشید.

از داستان حماسی تا داستان نقاشی

نگاهی به نمایشگاهی که با موضوع داستان‌های شاهنامه برگزار شده است

نگارستان

احمدی| امروزه اهمیت اثر شاخص و برجسته زبان پارسی یعنی شاهنامه فردوسی به عنوان یکی از پایه‌های مهم زبان فارسی و سند هویت ملی ایرانیان بر کسی پوشیده نیست اما برخی، خواندن آن را برای کودکان و نوجوانان دشوار می‌دانند و آن را به این گروه‌های سنی پیشنهاد نمی‌دهند، با این حال ورود کودکان به شاهنامه‌خوانی، این روزها بیش از گذشته است و عاشقان فردوسی، توجه ویژه‌ای به آموزش شاهنامه‌خوانی و نقالی به کودکان نشان می‌دهند؛ چراکه شاهنامه‌خوانی یک ابزار تربیتی است. بافت داستانی شاهنامه فردوسی به گونه‌ای است که همه افراد از کودک تا بزرگ‌سال را به خود جذب می‌کند. جذابیت نهفته در شاهنامه، قدرت یادگیری کودک را افزایش می‌دهد.

در این راستا، پاتوق کودک و نوجوان حوزه هنری خراسان رضوی که از سال ۹۴ با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان با مقوله‌های مختلف زندگی، طبیعت، حیات‌وحش و... شکل گرفته است، به‌مناسبت بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، حماسه‌سرای بزرگ ایرانی، اقدام به برگزاری نمایشگاه جمعی نقاشی «حماسه‌نگاران کوچک» با موضوع داستان‌های شاهنامه نظیر هفت‌خان رستم، سیاوش، رستم و اسفندیار و... در نگارخانه اشراق مشهد و با آثار جمعی از کودکان هنرمند خراسانی کرده است.

در این نمایشگاه، حدود ۴۰اثر از کودکان و نوجوانان هشت تا سیزده‌ساله خراسانی (سحر میرزازاده، سحر مخبر، زهرا پرنداخ، آرمیتا گلی، عرفان لطفی، امیرحسین رضازاده و کوروش دلاور) به مربیگری مریم صدر، به نمایش گذاشته شده است. ایده برپایی این نمایشگاه یک سال پیش در جلسات آزاد پاتوق کودک و نوجوان حوزه هنری شکل گرفت. به گفته مریم صدر، لزوم تمرکز بر موضوعی خاص، برای بچه‌ها احساس می‌شد و چه موضوعی بهتر از داستان‌های شاهنامه می‌توانست ذهن آن‌ها را انسجام ببخشد و به آن‌ها درس بزرگواری و اخلاق بدهد؟ به نظر صدر، فضای شاهنامه فضای بزرگی، عزت، اخلاق و جوانمردی است: «اگر شاهنامه وارد ذهن کودک یا نوجوان شود، خودبه‌خود می‌تواند به‌عنوان بازدارنده از خطا عمل کند. تکرار چنین داستانی از دوران کودکی، می‌تواند ارزش و مقام انسانی و وارستگی را در انسان شکوفا کند. ذهن کودک درحال رشد و شکل‌گیری است و اگر از همان ابتدا سعی کنیم ارزش‌هایی مانند پیمان بستن، دلاوری، راستی و درستی، خردورزی، مهر، خدمت و... در ذهن کنجکاو کودک و نوجوان نقش ببندد، مسائل روانی و تربیتی او به سمت‌وسوی مثبتی سوق پیدا خواهد کرد.» نمایشگاه «حماسه‌نگاران کوچک» دوشنبه ۲۳اردیبهشت، در نگارخانه اشراق حوزه هنری خراسان رضوی (واقع در بولوار هاشمیه، بین هاشمیه ۲۰ و ۲۲) افتتاح شد و تا ۳۱اردیبهشت ادامه دارد و در دو نوبت صبح و عصر از ساعت ۱۰ تا ۱۳ و ۱۷ تا ۱۹ پذیرای بازدیدکنندگان است.

گزارش تصویری این نمایشگاه را در نماشهر همین صفحه مشاهده می‌کنید.

سیداختر حسین، فردوسی‌پژوه: **کشورهای فارسی‌زبان که فردوسی میراث مشترک همه آن‌هاست، باید مراکز فرهنگی فردوسی را هم در کشورهایشان و هم در خارج از مرزهای کشورهای فارسی‌زبان دایر کنند و ازطریق برنامه‌های فرهنگی و هنری، ارزش‌های صلح فردوسی را به مردم جهان عرضه کنند.**